

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

INTERLOCUTORY AWARD

Cases Nos. 44, 45, 46 & 47

Chamber Three

پرونده‌های شماره ۴۴، ۴۵، ۴۶ و ۴۷
شعبه سه
حکم شماره ۳-۴۷/۴۶/۴۵/۴۴-۷۱ آ.ی.تی.ال.

دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحد

English version
Filed on 16 JUN 1989
نسخه انگلیسی در تاریخ ۱۳۶۸ / ۲ / ۲۶
ثبت شده است.

IRAN UNITED STATES
CLAIMS TRIBUNAL دادگاه داوری دعاوی
ایران - ایالات متحده

ثبت شد - FILED

Date 24 JUL 1989

تاریخ ۱۳۶۸ / ۵ / ۲

پرونده شماره ۴۴
شاهین شاین ابراهیمی،
خواهان،

- و -
دولت جمهوری اسلامی ایران،
خوانده.

پرونده شماره ۴۵
مارجوری سوزان ابراهیمی،
خواهان،

- و -
دولت جمهوری اسلامی ایران،
خوانده.

پرونده شماره ۴۶
سیسیلیا ردین ابراهیمی،
خواهان،

- و -
دولت جمهوری اسلامی ایران،
خوانده.

پرونده شماره ۴۷
کریستینا تندیس ابراهیمی،
خواهان،

- و -
دولت جمهوری اسلامی ایران،
خوانده.

DUPLICATE
ORIGINAL
نسخه برابر اصل

قرار اعدادی

اول - جریان رسیدگی

۱ - در تاریخ ۲۵ آبانماه ۱۳۶۰ [۱۶ نوامبر ۱۹۸۱] شاهین شاین ابراهیمی ("شاهین ابراهیمی") (پرونده شماره ۴۴)، مارجوری سوزان ابراهیمی ("مارجوری ابراهیمی") (پرونده شماره ۴۵)، سیسیلیا ردین ابراهیمی ("سیسیلیا ابراهیمی") (پرونده شماره ۴۶) و کریستینا تندیس ابراهیمی ("کریستینا ابراهیمی") (پرونده شماره ۴۷) (که مجتمعا "خواهانها" نامیده می‌شوند) دادخواستهایی علیه دولت جمهوری اسلامی ایران ("ایران") تسلیم کردند. شاهین، سیسیلیا، و کریستینا ابراهیمی ("فرزندان ابراهیمی") ادعا می‌کنند که ایران از علایق مالکانه آنها در شرکت گسترش مسکن در اوایل سال ۱۹۸۰ سلب مالکیت کرده است. مارجوری ابراهیمی ادعا می‌کند که ایران از خانه و اموال شخصی وی که حسب ادعاء پاسداران انقلاب در آوریل ۱۹۸۰ توقیف کرده بودند سلب مالکیت کرده است. ایران لوایح دفاعی و ادعای متقابل خود را در ۱۶ و ۲۴ و ۲۵ فروردین و دهم شهریورماه ۱۳۶۱ [پنجم و ۱۳ و ۱۴ آوریل و اول سپتامبر ۱۹۸۲] تسلیم کرد. ایران در لایحه مورخ ۱۶ فروردین ۱۳۶۱ [پنجم آوریل ۱۹۸۲] خود استدلال کرد که دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعای مارجوری ابراهیمی را ندارد زیرا نامبرده به عنوان همسر یک ایرانی، تبعه ایالات متحده نیست. ایران همچنین استدلال کرد که حتی اگر نامبرده تبعه ایالات متحده هم شناخته شود تابعیت ایرانی وی غالب است. ایران در ۱۹ مهرماه ۱۳۶۱ [۱۱ اکتبر ۱۹۸۲] "جوابیه متقابلی" تسلیم و ایراد خود را به صلاحیت دیوان بر ادعای مارجوری ابراهیمی تکرار کرد. در مورد فرزندان ابراهیمی، ایران در لوایح ۲۴ و ۲۵ فروردین ماه ۱۳۶۱ [۱۳ و ۱۴ آوریل ۱۹۸۲] اظهار داشت که ادعاهای آنها در صلاحیت دیوان نیست زیرا نامبردگان به اعتبار تابعیت ایرانی پدر خود ایرانی هستند و کریستینا ابراهیمی نیز به دلیل تولد در ایران ایرانی است.

۲ - دیوان در تاریخ ۲۸ تیرماه ۱۳۶۱ [۱۹ ژوئیه ۱۹۸۲] از طرفین درخواست کرد

لوایحی در خصوص مسایل موضوعی و حقوقی مربوط به صلاحیت و به ویژه موضوع تابعیت دوگانه ادعایی خواهانها تسلیم کنند. خواهانها و ایران به ترتیب در ۱۸ شهریورماه ۱۳۶۱ [نهم سپتامبر ۱۹۸۲] و هفتم آبانماه ۱۳۶۱ [۲۹ اکتبر ۱۹۸۲] لوائح خود را درباره صلاحیت دیوان تسلیم کردند. در ۲۸ آبانماه ۱۳۶۱ [۱۹ نوامبر ۱۹۸۲] خواهانها "تذکاریه ایالات متحده درباره مسئله تابعیت مضاعف" را تسلیم کردند. خواهانها در لوائح خود اظهار کرده‌اند که اتباع ایالات متحده امریکا هستند.

۳ - دیوان به درخواست ایران جلسه استماعی درباره موضوع تابعیت برای تاریخ ۲۵ آذرماه ۱۳۶۱ [۱۶ دسامبر ۱۹۸۲] ترتیب داد ولی در هشتم آذرماه ۱۳۶۱ [۲۹ نوامبر ۱۹۸۲] استماع را لغو و به طرفین اطلاع داد که قصد دارد درباره موضوع تابعیت براساس مدارک ثبت شده تصمیم بگیرد.

۴ - در تاریخ ۱۷ فروردینماه ۱۳۶۳ [ششم آوریل ۱۹۸۴] دیوان عمومی تصمیمی در پرونده شماره الف ۱۸ صادر کرده در آن نظر داد که دیوان "صلاحیت رسیدگی به دعاوی اتباع مضاعف (اتباع ایران و ایالات متحده) علیه ایران را در مواردی دارد که تابعیت غالب و موثر خواهان طی دوره ذیربط (از تاریخ ایجاد ادعا تا ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱/۲۹ دیماه ۱۳۵۹) تابعیت ایالات متحده بوده است". تصمیم شماره ۳۲ - الف ۱۸ - دیوان عمومی، ص ۱۹، (منتشره در 251, 265 Iran-U.S. C.T.R. 5).

۵ - در تاریخ هفتم تیرماه ۱۳۶۴ [۲۸ ژوئن ۱۹۸۵] دیوان طی صدور دستوری از خواهانها درخواست کرد که کلیه ادله و مدارک کتبی را که مایلند دیوان در تعیین تابعیت غالب و موثر آنها مورد بررسی قرار دهد به ثبت رسانند. خواهانها در تاریخ ۲۲ مهرماه ۱۳۶۴ [۱۴ اکتبر ۱۹۸۵] به دیوان اطلاع دادند که قصد دارند برای اثبات تابعیت امریکایی خود به مدارکی که در تاریخ ۱۸ شهریورماه ۱۳۶۱ [نهم سپتامبر ۱۹۸۲] تسلیم داشته‌اند استناد نمایند. دیوان متعاقباً از خواننده دعوت کرد

که «کلیه ادله و مدارکی را که مایل است دیوان درمورد موضوع تابعیت خواهانها مورد رسیدگی قرار دهد» به ثبت رساند. دیوان پس از سه نوبت تمدید مهلت اولیه، در تاریخ ۱۷ بهمن‌ماه ۱۳۶۵ [ششم فوریه ۱۹۸۷] چهارمین درخواست تمدید مهلت ایران را رد کرد و به طرفین اطلاع داد که درنظر دارد به محض آنکه برنامه کار دیوان اجازه دهد، طبق بند ۳ ماده ۲۸ قواعد دیوان، براساس مدارکی که در آن موقع در دست خواهد داشت به شور درباره موضوع صلاحیت در پرونده حاضر پردازد.

۶ - در تاریخ ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۶۷ [دهم مه ۱۹۸۸] ایران نامه‌هایی در پرونده‌های شماره ۴۴، ۴۶ و ۴۷ تسلیم و از دیوان درخواست کرد که به خواهانهای آن پرونده‌ها دستور دهد مدارک بیشتری از جمله فتوکپی گذرنامه‌های ایرانی خود، و اطلاعاتی درباره محل و تاریخ اقامت خود در ایران و جزئیات سفرها و دیدارهای خود از ایران و سابقه تحصیلی خود در ایران را تسلیم کنند.

۷ - در ۱۱ خردادماه ۱۳۶۷ [اول ژوئن ۱۹۸۸] ایران لایحه‌ای درباره موضوع تابعیت مارجوری ابراهیمی تسلیم و در آن ادعای خود را مبنی بر اینکه نامبرده تبعه ایران است تکرار کرد. ایران استدلال کرد که نامبرده پس از ازدواج با یک ایرانی در سپتامبر ۱۹۷۷ شناسنامه ایرانی گرفته و زندگی به عنوان یک ایرانی را آغاز کرده است. ایران همچنین یادآور شد که نامبرده گذرنامه ایرانی درخواست و دریافت کرده است. ایران همچنین استدلال کرد که با قبول کار در ایران و ازدواج با یک ایرانی، مرکز علائق وی در ایران قرار گرفت. نهایتاً ایران در اصالت گذرنامه امریکایی وی ابراز تردید کرد.

۸ - در ۲۳ خردادماه ۱۳۶۷ [۱۳ ژوئن ۱۹۸۸] دیوان از مارجوری ابراهیمی درخواست کرد که اصل گذرنامه امریکایی و شناسنامه و گذرنامه ایرانی خود را تسلیم کند. در ۲۱ تیرماه ۱۳۶۷ [۱۲ ژوئیه ۱۹۸۸] مارجوری ابراهیمی اصل گذرنامه امریکایی و

اصل شناسنامه ایرانی خود را تسلیم کرد و اظهار داشت که «توانسته است گذرنامه ایرانی خود را بیابد».

۹ - در ۲۳ خردادماه ۱۳۶۷ [۱۳ ژوئن ۱۹۸۸] ایران لایحه‌ای درباره تابعیت شاهین ابراهیمی تسلیم و اظهار کرد که تابعیت ایرانی وی غالب و موثر است. ایران یادآور شد که تولد شاهین ابراهیمی توسط والدین وی در کنسولگری ایران در واشنگتن به ثبت رسیده و وی گذرنامه ایرانی در دست داشته است و استدلال کرد که وی در ایران بزرگ شده و به مدرسه رفته و بنابراین به طور غالب در معرض فرهنگ ایرانی بوده است.

۱۰ - در ۱۲ اسفندماه ۱۳۶۷ [سوم مارس ۱۹۸۹] ایران لوایحی درباره موضوع تابعیت سیسیلیا و کریستینا ابراهیمی تسلیم و اظهار کرد که تابعیت ایرانی آنها غالب و موثر است.

دوم - شرح وقایع

الف - فرزندان ابراهیمی

۱۱ - سه فرزند نامبرده، فرزندان علی ابراهیمی و سیسیلیا دفریز هستند. علی ابراهیمی تبعه ایران و سیسیلیا دفریز بلحاظ تولد تبعه ایالات متحده است.

۱۲ - شاهین ابراهیمی در ۲۹ مردادماه ۱۳۴۱ [۲۰ اوت ۱۹۶۲] در شورلی، مریند و سیسیلیا در ۱۳ دیماه ۱۳۴۸ [سوم ژانویه ۱۹۷۰] در سیلور اسپرینگ مریند و کریستینا در هفتم اردیبهشت ۱۳۵۰ [۲۷ آوریل ۱۹۷۱] در تهران متولد شده‌اند. تولد شاهین در سوم مرداد ۱۳۴۷ [۲۵ ژوئیه ۱۹۶۸] در کنسولگری ایران در

واشنگتن و تولد کریستینا در ۲۴ آبانماه ۱۳۵۰ [۱۵ نوامبر ۱۹۷۱] در کنسولگری آمریکا در تهران به ثبت رسیده است.

۱۳ - در ۱۹۶۸ خانواده ابراهیمی به ایران نقل مکان کرد. ضمن مدت اقامت در ایران، فرزندان ابراهیمی و مادر آنها هر تابستان به مدت سه ماه به آمریکا مراجعت می کردند. در ۱۹۷۵ والدین فرزندان ابراهیمی از یکدیگر جدا شدند و حسب ادعا مادر به همراه فرزندان خود ایران را به قصد ایالات متحده ترک کرد. از آن به بعد فرزندان ابراهیمی در مرلند اقامت و به قصد گذراندن تعطیلات تابستانی با پدرشان، به ایران مسافرت کرده اند. سیسیلیا و کریستینا همچنین یکی از تعطیلات شکرگزاری را در ایران گذراندند. علاوه بر آن شاهین ظاهرا مدت بین اوت ۱۹۷۶ و اوت ۱۹۷۷ را تاحدی به دلیل تحقیقات درباره گذرنامه ایرانی خود در ایران گذراند. نامبرده پس از اخذ گذرنامه جدید ایرانی و اجازه خروج حسب ادعا در اوت ۱۹۷۷ از ایران عزیمت کرد. از تابستان ۱۹۷۸ هیچیک از فرزندان ابراهیمی به ایران سفر نکرده اند.

۱۴ - هر یک از فرزندان ابراهیمی هم گذرنامه آمریکایی و هم گذرنامه و شناسنامه ایرانی داشته اند.

۱۵ - شاهین ادعا می کند که پس از گذراندن قسمت اعظم سه سال تحصیلات ابتدایی خود در مرلند، تحصیلات خود را تا کلاس هفتم دبیرستان در مدارس انگلیسی زبان ایران ادامه داد و پس از مراجعت به ایالات متحده، تحصیلات متوسطه خود را در ایالت مرلند به پایان رساند و بعداً در دانشگاه یوتا در سالت لیک سیتی ایالت یوتا به تحصیل پرداخت. حسب ادعا، سیسیلیا و کریستینا در ایران به یک مهدکودک انگلیسی زبان می رفته اند و سیسیلیا نیز در ایران به یک کودکستان انگلیسی زبان می رفته، و هر دو پس از نقل مکان به ایالات متحده در ۱۹۷۵ تحصیلات ابتدایی خود را در

مریلند ادامه دادند.

ب - مارجوری ابراهیمی

۱۶ - مارجوری ابراهیمی در ۱۲ مهرماه ۱۳۲۷ [چهارم اکتبر ۱۹۴۸] در نگزاس سیتی ایالت نگزاس متولد شد و مارجوری سوزان تانل نام گرفت. وی تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در ایالات متحده طی کرد و از ۱۹۶۶ در دانشگاه نگزاس کریستیان در شهر فورت ورث نگزاس به تحصیل پرداخت. وی در ۱۹۷۰ تحصیلات خود را در مدرسه لومانیای لوزان در سوئیس و سپس در دانشگاه لوزان ادامه داد.

۱۷ - هنگامی که وی در سوئیس تحصیل می‌کرد پدرش از ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۳ مدیرعامل شرکت شیمیایی خارک در ایران بود و وی طی این مدت و در طول تعطیلات دانشگاهی نزد پدر خود در ایران می‌رفت. وی ضمن ادامه تحصیلات خود در سوئیس، در شرکت وستینگهاوس الکتریک در ایران بطور نیمه وقت کاری بدست آورد و در ۱۹۷۵ به طور تمام وقت در وستینگهاوس ایران آغاز به کار کرد و در مدت زندگی در ایران بین سالهای ۱۹۷۵ و ۱۹۷۷ چند بار از خانواده خود در ایالات متحده دیدن کرد و پس از پایان کار در وستینگهاوس در آوریل ۱۹۷۷، به ایالات متحده مراجعت نمود. در تمام طول این مدت، وی صرفاً به عنوان تبعه ایالات متحده وارد ایران می‌شد و از گذرنامه امریکایی خود استفاده می‌کرد.

۱۸ - در سپتامبر ۱۹۷۷ مارجوری تانل در آنابولیس مریلند با علی ابراهیمی تبعه ایران ازدواج کرد. وی و همسرش در اکتبر ۱۹۷۷ به ایران نقل مکان کردند.

۱۹ - اندکی پیش از نقل مکان به ایران، وی شناسنامه و گذرنامه ایرانی گرفت. وی اظهار می‌دارد که از گذرنامه ایرانی خود تنها برای ورود به ایران و زندگی با

شوهر خود استفاده می‌کرده و کماکان برای سایر مسافرتها به کلیه نقاط جهان از گذرنامه امریکایی استفاده می‌کرده است. وی همچنین اظهار می‌دارد که گرچه آموخته که کمی فارسی صحبت کند، معهذاً زبان اصلی وی همیشه انگلیسی بوده است.

۲۰ - به طوری که مه‌ری در شناسنامه ایرانی مارجوری ابراهیمی نشان می‌دهد وی از قرار معلوم در رفراندم انقلاب اسلامی ایران در فروردین‌ماه ۱۳۵۸ [آوریل ۱۹۷۹] در تهران رای داده است. وی و همسرش در ژوئیه ۱۹۷۹ ایران را ترک کردند و از آن پس هیچکدام به ایران مراجعت نکردند.

سوم - تصمیم دیوان

۲۱ - دیوان باید ابتدا تعیین کند که آیا خواهانها از زمان بروز ادعا تا ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] اتباع ایالات متحده بوده‌اند یا ایران و یا تابعیت هر دو کشور را داشته‌اند. چنانچه دیوان به این نتیجه برسد که خواهانها تابعیت هر دو کشور را دارند، آنگاه باید تعیین کند که کدام تابعیت طی دوره ذیربط تابعیت "غالب و موثر" بوده و در نتیجه باید از لحاظ صلاحیت دیوان در جریان رسیدگی حاضر، تعیین کننده شناخته شود. پرونده شماره الف ۱۸، تصمیم شماره ۳۲-الف ۱۸- دیوان عمومی، ص ۱۹، مورخ ۱۷ فروردین‌ماه ۱۳۶۳ [ششم آوریل ۱۹۸۴]، (منتشره در 5 Iran-U.S. C.T.R. 251, 265).

الف - فرزندان ابراهیمی

۲۲ - بحثی نیست که فرزندان ابراهیمی به لحاظ تابعیت پدر خود اتباع ایران هستند. درعین حال از مدارک روشن است که آنها اتباع ایالات متحده می‌باشند. همانطور

که گواهی تولد آنها نشان می‌دهد شاهین و سیسیلیا به لحاظ تولد در ایالات متحده اتباع امریکا هستند. به همین نحو کریستینا، به استناد گذرنامه امریکایی و همچنین گواهی تولد در خارج از یک مادر امریکایی که در کنسولگری امریکا در تهران به ثبت رسیده تبعه ایالات متحده است. بدینترتیب فرزندان ابراهیمی دارای هر دو تابعیت ایرانی و امریکایی می‌باشند.

۲۳ - بدینترتیب موضوع موثر در مقام این است که تابعیت غالب و موثر فرزندان ابراهیمی در دوره ذیربط تعیین شود. دیوان در تصمیم خود در پرونده شماره الف ۱۸ خاطر نشان ساخت که تعیین تابعیت غالب و موثر یک خواهان مستلزم در نظر گرفتن "کلیه عوامل ذیربط و از جمله محل اقامت معمولی، مرکز علایق و منافع، پیوندهای خانوادگی، مشارکت در زندگی عمومی و سایر شواهد وابستگی" است. همان مأخذ. در رأی این شعبه در پرونده رضا سعید مالک و جمهوری اسلامی ایران، بند ۱۴ قرار اعدادی شماره ۳-۱۹۳-۶۸ مورخ دوم تیرماه ۱۳۶۷ [۲۳ ژوئن ۱۹۸۸] دیوان مضافاً توضیح داد که "در واقع، تمام عمر خواهان از بدو تولد، و کلیه عواملی که در فاصله این مدت، بر واقعیت و خلوص نیت او در انتخاب تابعیت مورد ادعای وی دلالت داشته باشند، حائز اهمیت هستند".

۲۴ - دیوان اکنون باید ضابطه مزبور را نسبت به واقعیاتی که به دیوان ارائه شده اعمال نماید. مدارک ثابت می‌کند که فرزندان ابراهیمی از ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۵ که والدینشان از هم جدا شدند در ایران می‌زیستند و در آن هنگام همراه مادر خود به ایالات متحده رفتند. در مورد کریستینا و سیسیلیا، این واقعیات با مدارکی از جمله مهر مهاجرت ایالات متحده در ۱۸ خردادماه ۱۳۵۴ [هشتم ژوئن ۱۹۷۵] در گذرنامه امریکایی آنها تأیید می‌شود. گرچه گذرنامه شاهین در مدارک موجود نیست، درخواستهای وی در ۱۹۷۷ برای تجدید گذرنامه ایرانی وی نشان می‌دهد که کشور محل اقامت وی در آن زمان ایالات متحده بوده است.

۲۵ - نقل مکان فرزندان ابراهیمی به ایالات متحده سالها قبل از بروز ادعایی ادعاهایشان و همراه مادر خود، که از بدو تولد امریکایی بود، نشان می‌دهد که پدر ایرانی آنها پس از جدایی موافق بود یا حداقل این واقعیت را قبول کرده بود که فرزندان وی در ایالات متحده در یک محیط امریکایی بزرگ شوند. باتوجه به صغر سن آنها در موقع ورود به ایالات متحده، و باتوجه به اینکه مادر و قیم آنها تبعه بومی امریکایی بود، دیوان معتقد است که مسلماً مدت زیادی طول نمی‌کشید تا فرزندان ابراهیمی جذب جامعه امریکایی گردند. مسلماً در موقع بروز ادعایی ادعاهایشان یعنی حدود چهار یا پنجسال بعد از عزیمت از ایران، آنها در جامعه امریکا جذب شده بودند.

۲۶ - بنابراین دیوان نتیجه می‌گیرد که تابعیت غالب و موثر هریک از فرزندان ابراهیمی طی دوره ذیربطه، تابعیت ایالات متحده بوده است.

ب - مارجوری ابراهیمی

۲۷ - بحثی نیست که مارجوری ابراهیمی دارای هر دو تابعیت امریکایی و ایرانی است. همانطور که گواهی تولد و گذرنامه امریکایی وی نشان می‌دهد وی تبعه ایالات متحده است. درعین حال طبق قوانین ایران به لحاظ ازدواج با یک ایرانی، وی تبعه ایران شناخته می‌شود. بنابراین دیوان باید ضابطه تابعیت غالب و موثر را که در تصمیم خود در پرونده شماره الف ۱۸ اعلام کرد در مورد وی اعمال نماید. (رجوع شود به: بند ۲۲ فوق).

۲۸ - دیوان با اعمال این ضابطه در پرونده حاضر ملاحظه می‌کند که تماس اولیه مارجوری ابراهیمی با ایران به عنوان یک فرد امریکایی استخدام شده در ایران بوده است. وی پس از ازدواج با یک ایرانی، تابعیت ایران را کسب نمود و به نظر می‌رسد که

هنگام نقل مکان به ایران در ۱۹۷۷ قصد داشته ایران را به عنوان موطن خود برگزیند. اینکه وی درخواست شناسنامه ایرانی کرد، و در فرم تقاضای گذرنامه ایرانی خود اظهار داشته که مایل است محل اقامت خود را در آن کشور مستقر کند، نشانه چنین قصدی است. لیکن وی گذرنامه امریکایی خود را نیز اندکی قبل از عزیمت به ایران در ۱۹۷۷ تجدید کرد، و سفرهای متعدد وی به خارج از جمله ایالات متحده طی سالهای ۱۹۷۷ تا ۱۹۷۹، که با مهرهای ورود و خروج در گذرنامه امریکایی وی مشخص می‌شود، موجب شد که حضور عینی وی در ایران به حدود ۱۵ ماه تقلیل یابد.

۲۹ - موضوعی که باید روشن شود این است که اقامت وی در ایران بین سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۷۹ در مقایسه با تمام مدت زندگی وی چه اثری می‌تواند بر تابعیت غالب و موثر وی در دوره ۶ ذیربط از تاریخ بروز ادعایی ادعا در اوایل ۱۹۸۰ تا ۲۹ دیماه ۱۳۵۹ [۱۹ ژانویه ۱۹۸۱] داشته باشد. به همین نحو دیوان باید اهمیت شرکت وی را در فراندنم ایران در چهارچوب سایر واقعیات زندگی وی بررسی کند.

۳۰ - دیوان ملاحظه می‌کند که اقامت مارجوری ابراهیمی در سالهای ۱۹۷۷ - ۱۹۷۹ در ایران مستمر نبوده و وی به دفعات به خارج از آن کشور سفر می‌کرده است. گرچه وی با یک ایرانی ازدواج کرده بود ولی زندگی وی زندگی یک فرد خارجی و امریکایی در ایران بود. به علاوه اگر در ۱۹۷۷ مارجوری ابراهیمی قصد داشت ایران را به عنوان موطن خود انتخاب کند، علیرغم شرکت در فراندنم انقلاب اسلامی ایران عزیمت قطعی وی از ایران به ایالات متحده در ۱۹۷۹ نشان می‌دهد که وی قصد داشت خانه خود را در ایران رها کند و به میهن اصلی خود برگردد. باتوجه به اینکه وی عمدتاً از زمینه فرهنگی غربی برخوردار بوده و مدت کوتاهی در ایران اقامت داشته، مسلماً جذب مجدد وی در جامعه امریکایی مدت زیادی به طول نمی‌انجامد. به مجرد آنکه وی مجدداً به ایالات متحده تغییر مکان داد، یعنی ماهها قبل از بروز ادعایی ادعایش، تابعیت امریکایی وی تابعیت غالب گردید.

برمبنای این واقعیات دیوان نتیجه می‌گیرد که تابعیت غالب و موثر مارجوری ابراهیمی طی دوره ذریبطه، تابعیت ایالات متحده بوده است.

چهارم - قرار

۳۱ - بنا به مراتب پیش گفته،

دیوان به شرح زیر قرار صادر می‌کند :

الف - از لحاظ صلاحیت دیوان، تابعیت غالب و موثر خواهانها، شاهین شاین ابراهیمی، مارجوری سوزان ابراهیمی، سسیلیا ردین ابراهیمی و کریستینا تندیس ابراهیمی تابعیت ایالات متحده است.

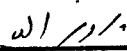
ب - برنامه زمانی تسلیم لوایح و مدارک درمورد کلیه موضوعات دیگر پرونده، طی دستورهای جداگانه‌ای تعیین خواهد شد.

لاشه، به تاریخ ۲۰۰۰ مرداد ۱۳۶۸ برابر با ۲۴ ژوئیه ۱۹۸۹



کایتانو آرانجیو - روئیتس
رئیس شعبه سه

بنام خدا



پرویز انصاری معین
نظر مخالف



ریچارد سی. الیسون